

بِسْمِ اللَّهِ

# تفسیر و مفسران در قرن ششم هجری قمری

تحقیق و جمع آوری: امین کریمی کرمانی

www.rezghekarim.blog.ir

## فهرست

چکیده.....

مقدمه.....

بخش اول..... جایگاه علمی، سیاسی و اجتماعی قرن ششم

بخش دوم..... جایگاه تفسیر و مفسران در قرن ششم

بخش سوم..... تفاسیر مهم قرن ششم

منابع.....

## چکیده:

با توجه به اوضاع خاص سیاسی و رشد بسیاری از علوم اسلامی در قرن ششم هجری علم تفسیر قرآن مورد توجه قرار گرفت. و بیش از هفتاد تفسیر در این قرن نوشته شد. که برخی از آنها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار میباشند. از میان تفاسیر شیعه مجمع البیان طبرسی و از اهل سنت الکشاف زمخشری را میتوان نام برد که تا عصر ما برای قرآن پژوهان اهمیت بالایی دارند.

**کلید واژه ها:** قرآن، تفسیر، مفسران، قرن ششم

## مقدمه:

تفسیر قرآن کریم از ابتدای نزول مورد توجه مسلمانان بوده است و یقیناً اولین مفسر قرآن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و بعد از ایشان ائمه معصومین (صلوات الله علیهم) هستند. اصحاب و تابعین نیز به این مهم پرداخته اند. مسلمانان هم در طی قرون و اعصار متمادی از این غفلت نکرده و به تفسیر این کتاب آسمانی روی آوردند. با توجه به سیر علوم و رشد علم در هر قرنی نسبت به قرون قبل از خود تفسیر قرآن نیز گسترده میشد. و در واقع شرایط گوناگون زمان و مکان در فهم بهتر و تفسیر قرآن اهمیت بسزایی داشته است. در این میان قرن ششم هجری با توجه به حکومت مقتدر سلجوقیان که مورد حمایت خلیفه وقت بود آرامش نسبی در سرزمین های اسلامی ایجاد شد و از طرف دیگر دانشمندان و فرهیختگان بسیاری در این قرن می زیستند. لذا علم تفسیر مورد توجه قرار گرفت و تفاسیر بسیار مهمی در این دوره به رشته تحریر درآمد.

در مورد این مقاله هرچند کوتاه سعی شده است. با جمع آوری اطلاعات از کتب مختلف که در قسمت منابع آنها را ذکر کرده ایم. خواننده را با اهمیت تفسیر و مفسران در قرن ششم آشنا و برخی از تفاسیر مهم این قرن را معرفی

کنیم. هرچند بخش های گوناگون این مقاله در کتب مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اما به عنوان یک مقاله یا کتاب مستقل به چیری برخورد نکردیم.

## بخش اول: جایگاه علمی، سیاسی و اجتماعی قرن ششم

بی شک اوضاع اجتماعی و تحولات سیاسی یک دوره زمانی بر نوع تفکرات، اندیشه ها و سبک زندگی مردمان آن زمان تاثیر میگذارد. و البته اندیشمندان و دانشمندان از این قاعده مستثنا نیستند و جو اجتماعی، علمی و سیاسی بر کیفیت و کمیت اندیشه ها، تالیفات و تولیدات علمی آنان تاثیر بسزایی دارد و در واقع آنها در همین اوضاع و احوال زمانه رشد می کنند. میتوان آنها را ثمرات و نتایج همان جو علمی حاکم نامید. مفسران و قرآن پژوهان هم از این قاعده مستثنا نیستند و در هر قرنی که زندگی میکنند تحت تاثیر فضای علمی، اجتماعی و سیاسی آن عصر هستند. پس برای شناخت بهتر تفسیر و مفسران در قرن ششم باید اوضاع علمی، اجتماعی و سیاسی قرن ششم را بیشتر بشناسیم. که در این بخش به این مهم می پردازیم.

## سیاست در قرن ششم

قرن ششم به لحاظ سیاسی در یک آرامش نسبی به سر میرد چرا که در این زمان در بخش وسیعی از جهان اسلام حکومت سلجوقیان حکمرانی میکنند که از سال ۴۹۰ حکومت آنان تشکیل شد و تا ۵۹۰ ادامه داشت. و به دو دلیل حکومت آنان دارای قدرت بود. ۱: استفاده از فازسی زبانان برای دواوین و استفاده از خط فارسی که مقاومت بسیاری از دشمنان متعصب را در برابر آنان شکست. ۲: خلیفه بغداد آنان را به رسمیت شناخت و مورد تایید و تجلیل قرار داد. (تاریخ اطلس ایران ص ۱۲۷)

## مدارس و مراکز تعلیم و تربیت قرن ششم

قرن ششم از حیث کثرت و تنوع مدارس اسلامی مهمترین دوره در طول تمدن اسلامی است چنانکه دکتر ذبیح الله صفا در کتاب مشهور خود یعنی تاریخ ادبیات ایران در این مورد می گویند:

نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم و اوایل قرن هفتم، از حیث کثرت مدارس و اهمیت آنها، مهمترین دوره تمدن اسلامیست. (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۵۱)

در جای دیگری از همان کتاب می گوید: فراوانی مدارس و مراکز تعلیم و وجود کتابخانهها و تشویقی که از علما میشد، باعث رواج شعب مختلف علوم دینی و ادبی در این دوره گشت چنانکه کمتر شهر و دیاری در این دوره بود که از وجود حوزه‌های متعدد تعلیم و مفسرین و محدثین و فقها و متکلمین و ادبا خالی باشد. (همان)

و در مورد کثرت و اهمیت این مدارس می گوید: مهمترین مدارس اهل سنت در این عهد با امر نظام الملک وزیر مشهور سلاجقه احداث شد. اهمیت این مدارس که خاص شافعیه بوده بحدیست که بعضی از مؤلفان قدیم را با شتاب افکنده و بر آن داشته است که نظام الملک را نخستین بانی مدارس در اسلام بشمرند. (همان ص ۲۳۱)

## مدارس مشهور دیگر

در همان ایام که نظام الملک بانشاء مدارس مشهور خود مشغول بود ملکشاه پادشاه سلجوقی نیز بتقلید از وزیر خود بایجاد مدارس توجهی کرد و در محله کران اصفهان مدرسه‌یی ساخت و خلاف نظام الملک که مذهب شافعی داشته و مدارس خود همه را بشافعیه اختصاص داده بود، ملکشاه با آنکه مذهب حنفی داشت مدرسه خود را بشافعیه و حنفیه هر دو مخصوص کرد.

در همین عصر در نیشابور مدارس دیگری احداث شد مانند مدرسه «خاتون مهد عراق» که کتابخانه خوبی داشت و چند مجلد از تاریخ بیهقی در آن یافته میشد و مدرسه‌یی که یکی از امرای دوره سلجوقی در جوار مسجد رجا برای یکی از ائمه نیشابور ساخت و مدرسه‌یی که حسین بیهقی جد ابو الحسن علی بن زید بیهقی بنا کرده بود ۶ و مدرسه میان بازار نیشابور و مدرسی که امیر اسفهلار سیف الدین ابو نصر محمد بن ابی الخیر خسرو گردی (متوفی بسال ۵۱۰) در نیشابور ایجاد کرد و مدرسه سرویه و مدرسه دروازه عراق. (همان ص ۲۴۱)

## کتابخانه های این عصر

کتابخانه‌های ایران در این عهد شماره و حدی نداشت. در بیشتر شهرها کتابخانه‌های خصوصی و کتابخانه‌هایی که بر مساجد و مدارس وقف میکرده‌اند، بحد وفور وجود داشت و علاوه بر آنها کتابخانه‌هایی در خارج از مراکز دینی موجود بود که بنام بانیان آنها شهرت داشت مانند کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد که بسال ۴۵۱ طعمه حریق گردید و کتبخانه صاحبی در ری منسوب به صاحب بن عباد و کتبخانه بزرگ در ری و کتبخانه بو

طاهر خاتونی در ساوه. همه مدارس و مساجد مهم نیز در این عهد کتابخانه‌هایی داشت که بر آنها وقف بود و مورد استفاده علما و مدرسان و طالبان علم قرار می‌گرفت.

در بعضی از بلاد عدّه کتابخانه‌ها از جوامع و مدارس و غیر آنها زیاد و شماره کتب آنها بسیار بود. برای نمونه خلاصه‌یی از قول یاقوت را درباره کتابخانه‌های مرو شاهجان نقل می‌کنیم. وی می‌گوید: من مرو شاهجان را در حالی ترک گفتم که در آن ده کتابخانه وقف وجود داشت که از حیث شماره کتب و خوبی بهتر از آنها در جهان ندیده‌ام. از آن میان دو کتابخانه از دو جامع عزیزیه و کمالیه بود که نخستین دوازده هزار مجلد کتاب داشت. دیگر کتابخانه مدرسه شرف الملک مستوفی، و دیگر کتابخانه مدرسه نظامی از نظام الملک حسن بن اسحاق، و دیگر دو کتابخانه از خاندان سمعانی و کتابخانه‌یی دیگر در مدرسه عمیدیه و کتابخانه دیگر از مجد الملک وزیر و کتابخانه خاتونیه در مدرسه خاتونیه و کتابخانه ضمیریه در خانقاهی واقع در آن شهر. یاقوت در دنبال این اشارات گفته است که این کتابخانه‌ها سهله التناول بود چنانکه هیچگاه کمتر از دویست مجلد از کتب آن کتابخانه‌ها را در خانه خود نداشتیم و در قبال اکثر آنها ودیعه‌یی نیز نمی‌سپردم (معجم البلدان یاقوت حموی ذیل اسم «مرو الشاهجان»). (همان ص ۲۵۱-۲۵۲)

## شعر و ادبیات فارسی در قرن ششم

قرن ششم عصر تحول و حرکت به سمت کمال در شعر فارسی است. اگرچه در اوایل این دوره شاعران هنوز تحت تاثیر سبک دوره غزنویان بودند اما اکثریت شاعران قرن ششم تحت تاثیر عوامل جدید ادبی و فکری دارای ابتکارات خاص هستند که نشانه بارز تغییر سبک و فاصله گرفتن از سبک شعر خراسانی در آثار آنهاست. در نیمه دوم قرن ششم این فاصله بیشتر می‌شود. در این سال‌ها شاعران به نسبت بسیار زیادی به محاوره توجه نشان می‌دهند. همین گرایش به زبان محاوره باعث ورود بیش از پیش لغات عربی به شعر فارسی شد. پیشگامان این امر بیش از همه انوری و پیروان او بودند. به‌طور کلی سبک شاعران خراسانی نیمه دوم قرن ششم آنچنان متحول شد که می‌توانیم بگوییم شعر این شاعران مقدمات ظهور سبک عراقی در شعر فارسی را فراهم ساخت که به عقیده برخی بزرگترین تحول شعر کهن پارسی محسوب می‌شود.

سبک آذربایجانی

در قرن ششم به غیر از سبک خراسانی و سبک بینابین، سبکی نیز با عنوان آذربایجانی به وجود آمد که شاعران بزرگی را به عنوان نمایندگان آن می‌شناسیم. بنیاد این سبک اگرچه همان فارسی کهن و سبک خراسانی بود اما از نظر فکری و مختصات ادبی بیشتر به سبک عراقی نزدیک است. خاستگاه شاعران این سبک شعری منطقه

آذربایجان بود و به همین دلیل عنوان سبک آذربایجانی (حوزه آران) را بر آن نهادند. از شاعران مهم این سبک می‌توان به خاقانی، نظامی، مجیر و فلکی اشاره کرد.

مختصات شعر قرن ششم

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت شعر قرن ششم (اعم از بینابین و آذربایجانی) دارای ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی بسیار است که آن را از اشعار قرون پیش متمایز می‌کند. از میان این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- وفور لغات و اصطلاحات عربی.
- 2- وفور ترکیبات نو.
- 3- فقدان برخی لغات کهن سبک خراسانی.
- 4- ورود لغات ترکی.
- 5- اشاره به علوم مختلف از قبیل نجوم و طب و تفسیر و فقه.
- 6- اشاره به قرآن و حدیث و ضرب‌المثل عربی.
- 7- اشاره به مسائل فلسفی و حکمی اما مخالفت کلی با فلسفه یونانی.
- 8- پا گرفتن شعر عرفانی- شرعی که بیشتر مشتمل بر پند و اندرز است.
- 9- شکایت از کساد بازار فضل و نهفته ماندن قدر شاعر.
- 10- به اوج رسیدن اکثر قالب‌های شعر فارسی: خیام در رباعی، نظامی در مثنوی، انوری در قطعه، خاقانی در قصیده و ترکیب‌بند. همچنین رواج یافتن غزل‌سرایی و محبوب شدن تدریجی آن به جای قصیده.
- 11- به کار گرفتن ردیف‌های مشکل و طولانی.
- 12- توجه به صنایع بدیعی و بیانی.
- 13- سرقت تصاویر قدما با تصرف در آنها.

شاعران عهد سلجوقی

شعراى این عهد در شمار طبقات مورد احترام بودند. در میان آنها حتی عده‌ای از رجال مشهور آن زمان نیز دیده می‌شود. نام بسیاری از وزرا و علمای بزرگ هم در شمار شاعران این عهد آمده است که برخی از آنها مانند مسعود سعد سلمان و خواجه رشیدالدین وطواط و خیام اکنون برای ما شناخته شده‌تر هستند. از دیگر شاعران بزرگ این عهد می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: سنایی (متوفی 545)، ظهیر فاریابی (598)، جمال‌الدین اصفهانی (588)، اثیر اخسیکتی (570 یا 577)، انوری (583)، خاقانی شروانی (520-595)، نظامی گنجوی (535-)



599)، مجیرالدین بیلقانی (577) و.... (سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، - صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول)

## وضعیت علوم و مکاتب در قرن ششم

### علوم عقلی و فلسفه

در فاصله بین طلوع محمد بن زکریای رازی پزشک و فیلسوف عالیقدر قرن سوم هجری و ظهور شیخ شهاب الدین سهروردی در قرن ششم، عالم اسلام، از جمله کشور ایران، از نظر سیر علوم و افکار و اندیشه‌های فلسفی، دستخوش تحولات و دگرگونیهای فراوان شده است. (تاریخ اجتماعی ایران ج ۱۰ ۳۴۰)

در ایران نیز در عهد سامانیان و غزنویان و سلجوقیان نه تنها ایران به استقلال سیاسی دست یافت بلکه زبان و ادبیات فارسی، زنده و احیا گردید، و افکار و اندیشه‌های فلسفی در طی این چند قرن رو به رشد و کمال رفت و مردانی چون زکریای رازی، فارابی، ابو ریحان بیرونی و ابن سینا ظهور کردند و افکار و اندیشه‌های علمی و فلسفی خود را برای استفاده علاقمندان، به رشته تحریر درآوردند. (تاریخ اجتماعی ایران ج ۱۰ ۳۴۱)

### علم قرائت

علم قرائت در این عهد اهمیت خود را بهمان نحو که در عهد مقدم داشت حفظ کرده بود. در سرتاسر ممالک اسلامی از اندلس گرفته تا ماوراء النهر علماء بزرگی بتحقیق در قرآنت اشتغال داشته و کتب متعدد در این باره تألیف می‌کرده‌اند. مثلاً در اندلس ابو عمر عثمان بن سعید دانی (م. ۴۴۴) در آغاز این دوره بتألیف کتب متعدد و مهم خود مانند کتاب التیسیر و کتاب جامع البیان فی القراءات السبع و کتاب المقنع فی رسم المصحف و کتاب المحکم فی النقط و کتاب المحتوی فی القراءات الشواذ و کتاب طبقات القراء و غیره اشتغال داشت. دانشمند دیگری که بعد از او از اندلس برخاست یعنی امام ابو محمد شاطبی (م. ۵۹۰) با آنکه در غالب علوم ادبی و شرعی عهد خود اختصاص داشت، بسبب آنکه بیشتر عمر خود را در اشتغال بعلم قرائت گذراند، و نیز بسبب تألیف کتب متعدد در این فن، بدین علم بیشتر اشتها یافت. آثار شاطبی خصوصاً دو قصیده لامیه و رائیه او در علم القراءه شهرت بسیار یافت و شروح متعددی در قرن ششم و هفتم و هشتم بر آنها نوشته شد مانند شرح

معروف علم الدین علی بن محمد السخاوی (م. ۶۴۳) بر قصیده لامیه بنام فتح الوحید، و شرح قصیده رائیه بنام الوسیله الی شرح العقیله.

از مشاهیر علماء قرائت ایران در این عهد یکی ابو الفضل محمد بن طیفور سجاوندی غزنوی است که بسال ۵۶۰ وفات یافت. از آثار مشهور او کتاب وقوف است در شرح موارد وقف در قرآن، و دیگر کتاب الوقف و الابتداء در شرح انواع وقف، و دیگر کتاب الموجز که آنهم در شرح پاره‌یی از انواع وقف است، و دیگر کتاب عین - المعانی در تفسیر سبع المثانی. از همه این کتب نسخی در دست است. (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۵۳) و در جای دیگر علمای قرائت در قرن ششم بیه اینگونه نام برده شده ند:

\* ابو العزّ محمد بن حسین بن بندار قلانسی واسطی (م - ۵۲۱) شیخ عراق صاحب کتاب:

ارشاد (قراءات عشره) کفایه (مفصلّ تر از ارشاد) \* ابو محمد عبد الله بن علی بن احمد بن عبد الله بغدادی (م - ۵۴۱) استاد بارع، مقری کامل، شیخ قاریان بغداد صاحب کتابهای:

مبهج روضه ایجاز تبصره مؤیده در قراءات سبعة موضحة قصیده منجده در قراءات عشره کفایه الشمس المنیره دربارہ قراءات بطور کلی

\* ابو العلاء حسن بن احمد بن حسن بن احمد بن محمد بن سهل همدانی عطّار، امام العراقین، ثقّه (م - ۵۶۹ ه) صاحب کتابهای:

الغایه (در قراءات عشره) الانتصار (در معرفت قاریان اعصار) الوقف و الابتداء \* ابو محمد قاسم بن فیره بن ابی القاسم خلف بن احمد شاطبی ضریر، امام، علّامه، از کبار و مشاهیر (م - ۵۹۰ ه در قاهره) صاحب:

"قصیده شاطبیّه" (معروف به "حرز الامانی و وجه التّهانی" که قریب دویست شرح بر آن نوشته‌اند این قصیده، بنا به قول کشف الظنون ۱۱۲۰ بیت بوده است.)

"قصیده رائیه" (موسوم به: "عقیله") که علما آنرا بسیار مهم دانند. (پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی ج ۲ ۵۲-۵۳)

## صوفیه

غیر از مدارس که محلّ تعلیم علوم قشری دینی، و جز حوزه های درس خصوصی فلاسفه و علما، مراکز دیگری در این عهد برای تعلیم وجود داشت که قابل ذکر است و آن خانقاهها یعنی محلّ تعلیم صوفیه است. در این دوره هر شهر دارای یک یا چند خانقاه بود که موقوفات وافر و خدمه و وسایل زندگی داشت. بعضی از آنها خاص شیوخ معین و بعضی برای صوفیانی که در سیر و سلوک بودند آماده بود. علاوه بر این رباطهایی که

با اوقاف و وسایل معیشت در راهها و آبادیها ساخته میشد، گاه برای سکونت صوفیان مورد استفاده قرار میگرفت. (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۵۰)

این طائفه (صوفیه) در اول پیدایش مکتبشان در مقام استدلال و اثبات طریقه خود بر نیامدند، و تنها به ادعاهای لفظی اکتفاء می کردند ولی بعد از قرن سوم هجری بتدریج با تالیف کتابها و رساله‌هایی مرام خود را در دلها جا دادند، و آن قدر هوادار برای خود درست کردند که توانستند آرای خود را در باره حقیقت و طریقت علنا مطرح سازند و از ناحیه آنان انشائاتی در نظم و نثر در اقطار زمین منتشر گردید.

و همواره عده و عده‌شان و مقبولیتشان در دل‌های عامه و وجهه‌شان در نظر مردم زیادتر می شد تا آنکه در قرن ششم و هفتم هجری به نهایت درجه وجهه خود رسیدند، ولی از آنجا که در مسیر خود کجروی‌هایی داشتند، به تدریج امرشان رو به ضعف گرائید و عامه مردم از آنان روی گردان شدند. (ترجمه المیزان، ج 5، ص: 457)

## خانقاهها

غیر از مدارس که محل تعلیم علوم قشری دینی، و جز حوزه های درس خصوصی فلاسفه و علما، مراکز دیگری در این عهد برای تعلیم وجود داشت که قابل ذکر است و آن خانقاهها یعنی محل تعلیم صوفیه است. در این دوره هر شهر دارای یک یا چند خانقاه بود که موقوفات وافر و خدمه و وسایل زندگی داشت. بعضی از آنها خاص شیوخ معین و بعضی برای صوفیانی که در سیر و سلوک بودند آماده بود. علاوه بر این رباطهایی که با اوقاف و وسایل معیشت در راهها و آبادیها ساخته میشد، گاه برای سکونت صوفیان مورد استفاده قرار میگرفت. (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۵۰) صوفیه در کارهای علمی این دوره از جمله تفسیر قرآن وارد شدند و تفاسیر مهم عرفاتی و صوفی در قرن ششم و قرن قبل از آن نوشتند.

## بخش دوم: جایگاه تفسیر و مفسران در قرن ششم

علم تفسیر در عهد قرن نیمه قرن پنجم و قرن ششم چه در نزد علمای سنت و چه در میان دانشمندان شیعه بکمال ترقی نائل شد. علمای بزرگ شیعه که در این عهد با موفقیت تام در عده‌یی از بلاد اسلام سرگرم تعلیم همکیشان خود بودند، و از توجه بتألیف کتب در علوم مختلف غفلت نداشتند، بعلم تفسیر بنابر رأی پیشروان مذهب خود، توجه کلی مبذول مینمودند و کتب بزرگی در این فن بفارسی یا عربی مینوشتند. تفاسیر عامه و خاصه این عهد عموماً در مسائل مختلف از قبیل بحث در موارد اعجاز قرآن، بحثهای فلسفی و عرفانی، تفسیر احکام قرآن، بحث در موارد فصاحت، قصص قرآن و بحث در متشابهات و ناسخات و منسوخات قرآن و امثال آنها بوده است، و بدین ترتیب ملاحظه میشود که علمای دینی در این عهد تا بچه حد در علم تفسیر پیش رفته‌اند. (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۶۰)

پیدایش استدلالهای عقلی و ایجاد اختلاف در مباحث کلامی در قرن پنجم که آغاز اجتهاد در میان دانشمندان اسلامی بوده، زمینه تفاسیر اجتهادی و متنوع در روشهای مختلف را در قرن ششم پدید آورد. نکات زیر در توسعه و بالندگی تفسیر در قرن ششم قابل توجه است:

1. در این قرن حدود نود تفسیر و مفسر نام برده شده است که ادنه وی در طبقات المفسرین، ص ۱۴۸-۲۱۰ حدود هفتاد، و عقیقی بخشایشی بیست تفسیر و مفسر در طبقات المفسرین شیعه، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۹۰ را نام می‌برد؛

2. در این قرن تفاسیری نوشته شد که جامع و اجتهادی و در نوع خود در گذشته و تاکنون بی نظیر یا کم نظیر بوده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان تفسیر مجمع البیان طبرسی، کشف زمخشری و روح الجنان از ابو الفتح رازی را نام برد.

3. تنوع تفسیر و پدید آمدن تفاسیر به روشها و گرایشهای مختلف، قابل توجه است. تفسیر مجمع البیان به روش اجتهادی با گرایش کلامی، تفسیر کشف با گرایش ادبی، بیانی و کلامی، تفسیر کشف الاسرار میبدی با گرایش عرفانی و مفردات راغب اصفهانی با رویکرد لغوی، از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود؛

4. در این قرن توسعه زبان فارسی، باعث شد تا برخی از مفسران تفاسیر خود را به این زبان بنویسند تا جان فارسی زبانان را از معارف قرآن سیراب کنند. تفسیر روح الجنان از ابو الفتح رازی و کشف الاسرار میبدی (متوفای ۵۲۰ ق) از آن جمله‌اند. (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران ۲۴۳-۲۴۴)

موضوع دیگر قابل بحث آنکه در این دوره نیز مانند قرن چهارم و اوایل قرن پنجم تألیف تفاسیری بفارسی معمول و مورد توجه بود با این تفاوت که تفاسیر فارسی عهد مورد مطالعه ما هم بیشتر و هم مفصل تر و هم از انواع مختلف است.

در این عهد فرق مختلف شیعه، فرق اهل سنت، اشاعره، معتزله و متصوفه هر یک تفاسیری با توجه باثبات عقاید خود نوشته‌اند و علمای دسته‌های مختلف مذکور نه تنها از راه تألیف کتب باین امر مبادرت می‌جستند بلکه در مجالس وعظ و تذکیر نیز غالباً مسائلی از تفسیر قرآن را مطرح می‌کرده و مورد بحث قرار میداده‌اند و این معنی در مجالسی که از صوفیه و علمای مذهبی این عهد باقی مانده مشهود است.

از جمله اختصاصات تفاسیر این عهد همین تشتمت هدفها و مقاصد در آنست بدین معنی که هر دسته از علما میکوشیدند قرآنرا از چشم خود ببینند و آنرا بپندار خود تفسیر و گزارش کنند و در حقیقت از همه مباحث و احکام و قصص و مسائلی که در قرآن آمده است بفن و اطلاع خود اکتفا میکردند، مثلاً عالم نحوی آنرا از جهت قواعد نحو، و اخباری از حیث قصص و اخبار، و فقیه از لحاظ قواعد فقه، و صوفی از لحاظ تصوف نگاه میکرد.

استخراج احکام یا تفسیر قرآن بدین نظر، از روزگاران اولیه در اسلام رواج داشت و نخستین کسی که در این باب کتاب نوشت ابو نصر محمد بن سائب کلبی (م. ۱۴۶) است. در دوره مورد مطالعه ما ابو بکر احمد بن حسین بیهقی (م. ۴۵۸) و ابو الحسن علی بن محمد کیهارسی طبری متکلم و مفسر بزرگ شاگرد ابوالمعالی امام الحرمین جوینی (م. ۵۰۴) و محمد بن عبد الله بن عربی حافظ (م. ۵۴۳) و قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳) و محمد بن عمر بن یوسف الانصاری القرطبی (م. ۶۳۱) در این موضوع کتبی نوشته‌اند.

از جمله تفاسیری که جنبه کلامی و حکمی در آن غلبه دارد یکی کتاب مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار است از ابو الفتح محمد بن عبد الکریم شهرستانی (م. ۵۴۸) که تفسیری عظیم است و شهرستانی در آن بر وفق حکمت و با ذوق کلامی خویش بتأویل و توجیه آیات پرداخته است. مجالس شهرستانی هم پر است از تأویل آیات بنابر رأی متکلمین و نمونه‌یی از آن در دست است 2. دیگر از اینگونه تفاسیر آثار امام ابو عبد الله فخر الدین محمد بن عمر رازی (م. ۶۰۶) است. از جمله تفاسیر وی یکی «التنبیه علی بعض الاسرار المودعه فی بعض سور القرآن» است در تفسیر چهار سوره توحید، اعلی، تین، عصر. امام فخر خود گفته است که در این تفسیر مطالب و اسراری را که دیگران دریافته‌اند خواهد آورد. این تفسیر با توجه بابوایی که در یک کتاب کلامی وجود دارد تنظیم گردیده است یعنی بابی در توحید و بابی در نبوت و بابی در معاد و بابی در کیفیت تکامل نفسانی انسان. این مطالب را امام المشککین از سور چهارگانه مذکور بیرون کشیده و تأویل کرده است و بنابراین کار او در

حقیقت دنباله کارهای ائمه کلام و فلاسفه دوره پیشین است. تفسیر مهمتر امام فخر کتاب مفاتیح الغیب معروف بتفسیر کبیر است که اگرچه خود نتوانست آنرا پایان برد لیکن بعد از او بدست مفسرینی از قبیل ابن الخوئی (م. ۶۳۷) و سیوطی (م. ۹۱۱) تمام شده است. تفسیر کبیر امام فخر رازی در حقیقت دائرة المعارفی از علوم و اطلاعات دینی آن مرد فاضل است. امام در آغاز تفسیر گفته است که وقتی گفته بودم می توان از سوره حمد ده هزار مسئله استنباط نمود، جمعی بر این گفتار من انکار کردند، اینک که بتصنیف آغاز کردم سوره حمد را بتفصیل تفسیر کرده ام تا برهانی بر دعوی من باشد. همین سخن از امام دلیل روشنی است بر وسعت نظر و مشرب او در تفسیر کلام الله و خروج وی از حدود معتاد و متعارف، و شاید بهمین سبب باشد که درباره او گفته اند: «جمع الامام فخر الدین الرازی فی تفسیره اشياء کثیره طویلۀ لا حاجه لها فی علم التفسیر و لذلك قال بعض العلماء: فیه کل شیء الا التفسیر»

از مهمترین نمونه های تفسیر ائمه معتزله در این عهد تفسیر کشاف از ابو القاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (م. ۵۳۸) معروف به جار الله زمخشری است که در آن بذکر خصوصیات صرفی و نحوی و معانی و بیانی و قرائت و شأن نزول آیات و مسائل اعتقادی معتزله توجه شده و از کثرت اهمیتی که این تفسیر یافته، شروح متعدد بر آن نگاشته اند. مخالفین معتزله بر این کتاب تعریضاتی دارند. اما تفاسیر صوفیه از حیث تأویلات و تعبیراتی که داشتند، بنحو عجیبی از صورت اصلی و طبیعی تفسیر بیرون بود. ابن الصلاح در فتاوی خود درباره تفسیر ابو عبد الرحمن سلمی بنام حقایق التفسیر گفته است اگر کسی معتقد باشد که این کتاب تفسیر قرآنست کفر ورزیده است. علت این تصور درباره تفاسیر عرفا آنست که این قوم بواقع در بیان حقائق آیات کلام الله مانند فلاسفه و متکلمین از ظواهر معانی و مقاصد آنها دور شده و بمسائلی که مولود فکر خانقاهیان است توجه کرده اند ولی این امر مانع آن نشده است که تفاسیر صوفیه با لطف معنی و پیش گرفتن لذت بخش صوفیه همراه نباشد. از جمله قدیمترین تفاسیر صوفیه یکی تفسیری است که از ابو عبد الرحمن

محمد بن حسین سلمی نیشابوری (م. ۴۱۲) بنام الحقائق بازمانده است. بعد از آن از جمله تفاسیر قدیم صوفیه کتاب لطائف الاشارات فی حقائق العبارات است از ابو القاسم عبد الکریم قشیری نیشابوری استوائی (م. ۴۶۵) که تأویل کلمات و آیات در آن بسیار و مطالب و اشارات عرفانی فراوانست. بعد از آن از جمله تفاسیر عرفانی میتوان تفسیر سوره اخلاص را از حجه الاسلام ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی (م. ۵۰۵)، ذکر کرد که تفسیری کوتاه متضمن بحث در اثبات وحدانیت خداوند بر طریق صوفیان و اشراقیانست.

در اوایل قرن ششم یعنی بسال ۵۲۰ یکی از صوفیان بنام رشید الدین ابو الفضل ابن ابی سعید احمد بن محمد بن محمود المیبدی تفسیری عظیم ترتیب داد بنام کشف الاسرار و عدۀ الابرار که کاملترین و مهمترین تفسیر فارسی از تفاسیر صوفیه است. درباره این کتاب هنگام ذکر آثار نثر پارسی این دوره بتفصیل سخن خواهیم گفت و در اینجا باید فقط یادآور شویم که اولاً میبدی تحت تأثیر کتاب تفسیر خواجه عبد الله انصاری در تحریر این کتاب قرار گرفته و ثانیاً بدو موضوع نظر داشته است، نخست ایراد همه اقوال مفسران عامه در وجوه قرآت و تفسیر آیات و احکام و غیره و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و در این مورد تأویلات غریب با ایراد عبارات دلفریب و اشعار لطیف ملاحظه میشود.

دیگر از تفاسیر مهم عرفانی «کتاب عرائس البیان فی حقایق القرآن» است تألیف ابو محمد روزبهان بن ابو نصر شیرازی دیلمی (۵۲۲-۶۰۶) که اصلاً در شهر نسا ولادت یافت و زندگی او بیشتر در شیراز بمجاهدت و وعظ و تذکیر سپری شد. روزبهان در تفسیر خود که بعربی پرداخته نخست رأی خویش و آنگاه اندیشه مشایخ تصوف را درباره هر آیه ذکر می کند.

از جمله تفاسیر صوفیه از قرآن تفسیری است که مشایخ صوفیه در مجالس خود می آوردند. در این احوال معمولاً آیه‌ی را ذکر می کردند و بنابر رأی خود آنرا تأویل مینمودند و با ابیات و اشارات عرفانی درمی آمیختند. نمونه عالی اینگونه تفاسیر و تأویلات را میتوان در کتاب المعارف بهاء الدین محمد معروف به بهاء ولد (م ۶۲۸) یافت.

از همین دوره کتبی درباره ناسخ و منسوخ قرآن یا متشابهات و امثال آن نیز در دست است مانند کتبی که ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶) و محمد بن هلال سعیدی (م ۵۲۰) درباره ناسخ و منسوخ قرآن نوشته‌اند و کتبی که ابن شهر آشوب (م ۵۸۳) و طبرسی (م ۵۴۸) (متشابه القرآن) و امام فخر رازی (دره التنزیل) در باب متشابهات قرآن نگاشته‌اند. چون ازین تفاسیر که گفته‌ایم، بگذریم میرسیم بتفاسیر مهم و معتبری که مفسرین عامه و خاصه در این عهد نوشته‌اند و همه آنها از جمله مشهورترین تفاسیر قرآن شمرده میشود.

از مفسرین شیعه در این عهد آثار بسیار باقی مانده و علمای شیعه که تألیفات متعددی در این دوره باقی نهاده و بسبب فعالیت عمومی که قبلاً بدان اشاره کرده‌ایم، در تدوین علوم دینی خود نیز فعالیتی را آغاز کرده بودند، بتدوین کتب تفسیر توجه بسیار مبذول داشته و کتابهایی بهر دو زبان پارسی و تازی در این فن تألیف کرده‌اند و از جمله معتبرترین آن کتابها یکی تفسیر تبیان است از شیخ الطائفه. شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی بسال ۳۸۵ در طوس ولادت یافت و در سال ۴۰۸ از طوس ببغداد و چهل سال بعد بنجف رفت و بسال ۴۶۰ هجری درگذشت.

وی از بزرگترین علماء دینی شیعه و صاحب تألیفات متعدد مهم در مسائل مذهبی شیعه است و از آنجمله است کتاب تبیان در تفسیر قرآن که در دو مجلد بطبع رسیده است و مختصر آن هم از فخر الدین محمد معروف به «ابن ادريس حلی» از نوادگان دختری شیخ طوسی که از اجله علمای شیعه در قرن ششم بوده و در سال ۵۷۸ وفات یافته، در دست است. این ابن ادريس تألیفات مهم دیگری نیز دارد مانند «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» و «مسائل ابن ادريس» دیگر از تفاسیر مهم شیعه تفسیر مفصل و مشهور شیخ ابو الفتوح جمال الدین حسین بن علی بن محمد رازی است که تألیف آن در نیمه اول قرن ششم هجری صورت گرفته است. درباره این تفسیر در جزو آثار منثور پارسی سخن خواهیم گفت.

یکی از علماء معروف شیعه بنام ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی معروف به شیخ طبرسی (م. ۵۴۸) سه کتاب تفسیر بر روش شیعه نگاشته است بنام الکافی الشافی (الکاف الشاف من کتاب الکشاف) که تفسیری مختصر است، و دیگر جوامع الجامع که متوسط است، و دیگر مجمع البیان که از همه بزرگتر و مهمتر و مشهورتر است.

مجمع البیان بسبب اهمیتی که پیدا کرد چند بار تلخیص شده و تاکنون دو بار بطبع رسیده است. تفسیر مجمع البیان از کتب جامع و سودمند در تفسیر است. شیخ طبرسی در آغاز کتاب بعلاقه وافر خود بتفسیر، و خالی یافتن تفاسیر علمای فرقه امامیه که پیش از او تألیف شده بود از وفاء بحق قرآن، اشاره کرده و از آن میان تنها تفسیر تبیان شیخ طوسی را متضمن تحقیقات کافی دانسته ولی از حیث ترتیب و نظم ناقص یافته است و بهمین سبب مبادرت بتألیف کتاب خود نموده و آنرا شامل تمام علوم قرآنی از قرائت و اعراب و لغت و بیان مشکلات و ذکر موارد معانی و بیانی و شأن نزول آیات و اخبار وارده در آیات بطریقه شیعه امامیه، و شرح قصص و حکایات و توضیح احکام و بیان آیاتی که دال بر صحت اعتقاد شیعه امامیه باشد، کرده و بسال ۵۳۶ هجری پایان برده است. مجمع البیان را یکی از علمای قرن سیزدهم هجری بنام آقا محمد بفارسی درآورده و ترجمه آنرا مفصل البیان فی علم القرآن نامیده است.

تفسیر جوامع الجامع که نسخ متعدد از آن موجود است، در شهرت بمرتبه مجمع البیان لیکن از آن مختصرتر است. این کتاب را شیخ طبرسی در سال ۵۴۲ از روی دو کتاب خود مجمع البیان و «الکاف الشاف من کتاب الکشاف» که خود تلخیصی از کشاف زمخشریست، ترتیب داده و آنرا جوامع الجامع نام داد. از این تفسیر منتخبی نیز در دست است.

از جمله تفاسیر عامه که از این عهد در دست داریم غیر از آنچه قبلا نام برده ایم، یکی تفسیر غرر المعانی است از امام زین الاثمه ابو العباس احمد بن محمد دینویه که کتاب خود را در اواخر قرن پنجم تألیف کرده و در آن



ضمن تفسیر مختصری از هر آیه از اختلاف قرآات و شأن نزول آیات نیز سخن رانده و گاه احادیثی را بمناسبت بروایت محدثین عامه نقل کرده است .

دیگر از تفاسیر مشهور عامه تفسیر معالم التنزیل از ابو محمد حسین بن مسعود معروف به فرآء بغوی ۲ که در حدود سال ۵۱۶ وفات یافت. وی از فقهای بزرگ اسلام و از علماء مشهور مذهب شافعیه در قرن پنجم هجری بوده و در تفسیر و حدیث و فقه سرآمد علماء عصر خود محسوب میشده و تألیفات متعدد در این علوم داشته است. بغوی در تألیف معالم التنزیل از تفاسیر متقدمان استفاده کرده و بمناسبت اخباری راجع بآیات آورده و در باره قصص و ذکر اخبار تاریخی هم وارد شده است. این کتاب چند بار بطبع رسید. (تاریخ ادبیات ایران ۲۵۵-۲۶۰)

قرن ششم هجری، یکی از درخشانترین دوره‌های علوم قرآنی و معارف تفسیری است. چون در آن مقطع تاریخی، شیعه از اوضاع سیاسی و اجتماعی نسبتاً مساعدتری برخوردار بوده است. به کمک همین امنیت نسبی است که در زمینه علوم و معارف قرآنی نیز از رشد و بالندگی قابل توجهی برخوردار گشته است. در این قرن تفاسیر مشهور و ارزشمندی پا به عرصه حیات نهاده‌اند، که از آن میان تفسیر معروف ابو الفتوح رازی، تألیف حسین بن محمد بن احمد خزاعی در چندین مجلد، یا تفسیر قطب راوندی، تفسیر ضیاء فضل بن علی حسنی راوندی کاشانی، و تفسیر محمد بن احمد بن علی فتال نیشابوری، و بالأخره تفسیر مجمع البیان طبرسی در ۱۰ مجلد در ۲۷۶۵ صفحه بزرگ، پا به عرصه حیات نهاده‌اند. به این ترتیب، این قرن را می‌توان قرن قرآن و تفسیر نامید. قرنی که توانسته است، در فضای حیاتی خود، تفاسیر جامعی مانند مجمع البیان و ابو الفتوح رازی را پیروراند.

با توجه به تفاسیر موجود عصر، معلوم می‌گردد علم تفسیر، در این قرن از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بوده است، و معارف تفسیری به کمال پیشرفت و ترقی خود نایل آمده است، به‌ویژه از آن نظر که تألیف کتابهای تفسیری به زبان شیرین فارسی نیز در این عصر معمول و مورد توجه واقع شده است و فارسی‌زبانان نیز توانسته‌اند از محتوای تفاسیر قرآن برخوردار گردند، و مفسران عالیقدر شیعه توانسته‌اند معلومات مذهبی خود را در قالب کلمات شیرین فارسی، به مخاطبین خود إلقا نمایند.

## تفاسیر متنوع

فرقه‌های مختلف شیعه و گروه‌های مذهبی اهل سنت، اعم از اشاعره و معتزله و متصوفه، هرکدام تفاسیری را با نگرش‌های مذهبی خود، در مقام اثبات و تحکیم عقاید خویش، نگاشته‌اند، و در مجالس و محافل ارشادی نیز، غالباً از تفسیر آیات سخن‌رانده‌اند. از تفاسیر عمومی و مورد توجهی که در این دوره در جهان اهل سنت نیز به‌وجود آمده است، می‌توان از تفاسیر زیر نام برد:

تفسیر امام الحرمین جوینی (م ۵۰۴ ه. ق).

تفسیر محمد بن عبد الله بن عربی (م ۵۴۳ ه. ق).

تفسیر انصاری قرطبی (م ۶۳۱ ه. ق).

تفسیر مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار شهرستانی (م ۵۴۸ ه. ق).

تفسیر مفاتیح الغیب فخر الدین رازی، معروف به تفسیر کبیر (م ۶۰۶ ه. ق).

تضاد‌های اعتقادی و برخورد‌های کلامی و مجادلات مذهبی در این عصر به اوج خود رسیده بود. از نمودارهای عینی آن، کتاب «النقض» شهرستانی، و پاسخ‌های متعدد آن می‌باشد.

کشمکش‌های مذهبی، به صوفیه و پیروان عزلت و گوشه‌نشینی، این اجازه را داده بود که به فعالیت و تلاش خود در مقام عرض وجود خود بیفزایند، و در مورد نگارش تفسیر نیز اقداماتی بنمایند. از تفاسیر صوفیه و باطنیه در این عصر می‌توان از تفاسیر: محمد بن حسین بن سلمی نیشابوری - لطائف الإشارات فی حقایق العبارات، عبد الکریم قشیری نیشابوری - سوره اخلاص ابو حامد محمد غزالی طوسی (متوفی ۵۰۵ ه. ق) - کشف الأسرار و عدّه الأبرار، میدی (متوفی ۵۲۰ ه. ق) - عرائس البیان فی حقایق القرآن، ابو محمد روزبهان شیرازی دیلمی (متوفی ۶۰۶ ه. ق) - بهاء الدین، معروف به بها ولد (متوفی ۶۲۸ ه. ق) نام برد.

البته در مورد علوم قرآنی نیز کتابهایی در ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه نیز در اختیار داریم، مانند کتابهای ابن حزم اندلسی و محمد بن هلال سعیدی، و ابن شهر آشوب و طبرسی، و دره التنزیل امام فخر رازی را ذکر نمود.

## \* شیعه و تفاسیر قرآن

خوشبختانه، در این عصر، آثار تفسیری قابل توجهی از شیعه به یادگار مانده است، که هنوز هم در اختیار داریم. مانند تفسیر مفصل و معروف شیخ ابو الفتوح رازی، و تفسیر مجمع البیان، تألیف ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، صاحب تفاسیر سه گانه (مختصر و متوسط و کبیر).

۱. مختصر: الکاف الشافی من کتاب الکشاف.

۲. متوسط: جوامع الجامع.

۳. کبیر: که همان مجمع البیان می باشد. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۳۹۷)

## بخش سوم: تفاسیر قرن ششم

1: تفسیر مجمع البیان طبرسی [م ۵۴۸ ق]

معرفی مولف:

هو أمين الاسلام، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي الطوسي، الشيخ الأجل، الأوحد، الأكمل، كان من نحارير علماء التفسير الشيعة الاثني عشرية، أصله من طبرستان، و قيل من تفرش (طبرس) من نواحي مدينة قم. ولد في سنة ٤٦٨ ه و قد عاش في خراسان في سبزوار و المشهد الرضوي من بلاد ايران. هو رجل من بيت من بيوت العلم و كان الكثيرون من أقربائه و أحفاده من ذوى المكانة العلمية.

هو مفسر، فقيه محدث صاحب تألیفات كثيره، و أخذ عنه كثير من العلماء و أخذ هو عن قمه من قمم المذهب الشيعي و توفي سنه ٥٤٨ هـ في ليلة النحر، ثم نقل نعشه الى مدينة المشهد الرضوى المقدس، و قبره الآن ايضا معروف بها.

آثاره و مؤلفاته:

قد ألف الطبرسي في التفسير ثلاثة كتب:

الاول: هذا الكتاب الذي نحن بصدد تعريفه.

الثاني: تفسير جوامع الجامع الذي سبق و أن أشرنا اليه في منهجه.

الثالث: الكاف الشاف عن الكشاف. و تسمى هذه التفاسير بالكبير و الوسيط و الوجيز. (المفسرون حياتهم و منهجهم، ص: ٦٠٩)

## مجمع البيان و جایگاه آن

در بین مجموع تفاسیری که از سوی شیعه پیرامون قرآن مجید نگارش یافته است، مجمع البيان از یک منزلت خاص و جایگاه رفیعی برخوردار است. و این امر مرهون سهل التناول بودن و ترتیب تألیفی آن تفسیر می باشد. مجمع البيان، به اتفاق آراء شیعه و اهل سنت، در جامعیت، اتقان، استحکام مطالب، بی نظیر بودن ترتیب و تنظیم و تنسيق ابواب و روش تفسیر و تبیین مفاهیم آیات شریفه، از منزلت خاص و جایگاه ویژه ای برخوردار است، که بر ارباب معرفت و بصیرت، پوشیده نیست. دانشمندان و بزرگان از شیعه و سنی در مورد تفسیر فوق الذکر نظرات مهم و دقیقی دارند. که برا آشنایی شما را به کتاب طبقات مفسران شیعه ارجاع می دهیم.

(طبقات مفسران شیعه، ص: ٤٠٧)

## 2: تفسیر جوامع الجامع

این تفسیر، پس از مجمع البیان، از معروف‌ترین تألیفات مرحوم طبرسی است، و گاهی، تحت عنوان «الوسیط» نام برده می‌شود، که در ۴ مجلد، قرار دارد. این تفسیر، به لحاظ بلاغت، و جازت و فشرده‌گی، یکی از بهترین کتابهای تفسیری برای درس و تدریس می‌باشد، و می‌توان آنرا در بین تفاسیر شیعه امامیه، با تفسیر بیضاوی، به نام «انوار التّنزیل و اسرار التّأویل»، مقایسه نمود که آن نیز کتابی است، فشرده و خوش عبارت، و سالیان دراز، بلکه ظاهراً، تا امروز، در مدارس اهل سنت، کتاب درسی بوده است و گویا لااقل تا عصر شیخ بهایی (متوفی ۱۰۳۰ هـ) رحمه الله علیه، تدریس آن کتاب در بین شیعیان، نیز معمول بوده است، و به همین خاطر، مرحوم شیخ بهایی، نظرات خود را به عنوان تعلیقه بر آن کتاب به رشته تحریر درآورده است، که سزاوار است این تعلیقه با متن آن تفسیر مورد مقایسه قرار گیرد، تا قدرت شیخ بهایی، رحمه الله علیه، در علم تفسیر دانسته شود و جای شکر است که امروزی تفسیر جوامع الجامع هم در حوزه‌های علمی برنامه درسی تفسیر قرار گرفته است. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۴۱۱)

## 3: جامع التفسیر راغب اصفهانی [م ۵۰۲ ق]

مؤلف آن، ابو القاسم، حسین بن محمد بن فضل، معروف به «راغب اصفهانی»، یکی از اعلام قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، از پرکارترین افراد در علوم و معارف قرآنی می‌باشد. او در ادب و لغت، تاریخ، حکمت و تفسیر، سرآمد معاصران خویش بود، و شخصیت جامع او، مورد قبول عامه و خاصه می‌باشد. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۳۹۹)

هرچند که تفسیر او هم اکنون در اختیار ما نیست اما سایر آثار او در زمینه علوم قرآنی کمک شایانی به پژوهشگران قرآنی کرده است و میکند. آثار او عبارتند از:

۱. تفسیر النشأتین، مطبوع در ثمرات الفنون، بیروت، سال ۱۳۱۹ هـ. ق.

۲. الذریعه الی مکارم الشریعه (که گفته‌اند، غزالی همیشه آنرا همراه داشت)، مطبوع در انتشارات الوطن قاهره، سال ۱۸۸۹ م.

۳. محاضرات الأدباء، توسط جمعیت المعارف قاهره، سال ۱۳۰۵ ه. ق.

۴. المفردات فی غریب القرآن، مطبوع در میمنیه قاهره، ۱۳۲۴ ه. ق. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۴۰۰)

مذهب اودرباره تشیع و تسنن، همانند تاریخ وفات او، وحدت کلمه وجود ندارد. برخی مانند فخر رازی، او را هموزن غزالی، شافعی دانسته‌اند، و برخی او را معتزلی، و برخی او را شیعه امامی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد او به علت حضور در محافل سیاسی و معاشرت با امرا و وزراء، نمی‌خواست، تظاهر به مسلک فقهی خاصی نماید، ولی اعمال و آثار او نشانگر شیعه بودن او می‌باشد. به چند دلیل:

۱. او تنها در برابر کلمه علی (ع)، امیر المؤمنین به کار می‌گرفت، و انتخاب نام حسین، نشان دیگری از علاقه و محبت خانوادگی او به اهل بیت می‌باشد.

۲. در آغاز مفردات قرآن، حدیث معروف «أنا و انت یا علی، أبوا هذه الامه» را نقل می‌کند، و متعاقب آن حدیث «کلّ نسب و سبب منقطع یوم القیامه، الا سببی و نسبی» را نقل می‌نماید.

۳. برخلاف اغلب عامه، در تفسیر آیه ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي، قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ (بقره، آیه ۱۳۳)، کلمه «اب» را به معنی «عم» می‌گیرد و می‌گوید: «اسماعیل، عموی یعقوب بود.» (همان ص ۴۰۰) مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی می‌فرماید: «طبرسی در کامل بهایی، تصریح به تشیع او می‌کند، و گوید او از حکمای شیعه امامیه بود.» فخر رازی او را از پیشوایان اهل سنت و همدریف با غزالی می‌شمارد. (۱) الذریعه ج ۵، ص ۴۶-۴۵. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۳۹۹)

4: تفسیر ابو الفتوح رازی [م ۵۵۶ ه. ق]

معرفی مؤلف:

هو جمال الدين، ابو الفتوح حسين بن على بن محمد الخزاعى النيشابورى، الشيخ الامام الجليل، قدوة المفسرين، ترجمان كلام الله، من اولاد نافع بن بديل بن و رقاء الخزاعى من أصحاب الرسول صلى الله عليه و آله.

كان من علماء الامامية و له منزلة رفيعة عندهم، فالرجل و اقوامه الصالحون من اجلاء بيوتات العرب المستوطنين ديار العجم. و يظهر من التفسير أنه كان معاصرا لصاحب الكشاف الذى كان من مشايخه، و قد بلغه بعض ابيات الكتاب دون اصله. عاش قطعاً بين سنة ٤٨٠ هـ الى ٥٣٥ او ٥٥٥، و توفى بعد سنة ٥٨٥ هـ، و دفن فى الرى - قرب طهران - بجوار سيدنا عبد العظيم الحسنى، و قبره معروف الآن.

آثاره و مؤلفاته:

١- روح الاحباب و روح الألباب فى شرح الشهاب.

٢- رسالته يوحنا.

٣- الرسالة الحسينية.

٤- تبصرة العوام فى تفاصيل الملل و النحل (المفسرون حياتهم و منهجهم، ص: ٤٨٧)

\* خصوصيات اين تفسير

اين تفسير يکى از آثار جاويد نثر پارسی است، و مؤلف آن در مقدمه تفسير مى گوید: «چون بیشتر مردم عربى نمى دانستند، کتاب را به پارسی تأليف نمودم. اين کتاب بیشتر جنبه و عظم و تنبيه دارد، اما در عين حال، شامل توضيحات ادبى دقيق درباره صرف و نحو و لغت عرب، و نيز تعليماتى در استدلال و معانى و بيان و شعر و اصول فقه است».

ابو الفتوح در ذکر احاديث، خود را محدود به منابع شيعه نکرده است، بلکه از مجموعه هاى حدیثى اهل سنت نيز، به آزادی استفاده نموده است.

ولى در موارد اختلافی، پیوسته از مکتب شيعه جانبداری کرده است. در مسائل کلامی، متأثر از کلام شيعيان هم عصر خود است، که در مسائل توحيد و عدل الهی، نوعاً با معتزله همداستان بوده اند، ولى از لحاظ تعريف

ایمان و مسأله شفاعت و امامت، با ایشان اختلاف نظر داشته است. تفسیر روض الجنان از لحاظ محتوا و سبک، با تفسیر تبیان شیخ طوسی شباهت دارد. ابو الفتوح پنج‌بار از طبری یاد می‌کند.

ظاهراً از تفسیر عربی او استفاده کرده است، نه از ترجمه فارسی آن. یک‌بار هم از زمخشری یاد می‌کند. (طبقات مفسران شیعه ۴۲۱)

متشابه القرآن ابن شهر آشوب [م ۵۸۸ ق]

مؤلف بزرگوار آن، ابو عبد الله رشید الدین، محمد بن علی بن شهر آشوب سروی (ساری) مازندرانی، متوفی ۵۸۸ ه. ق، یکی از پیشروان علم و ادب و از پیشگامان تفسیر و علوم قرآنی و از مفسران عالیقدر قرن ششم هجری می‌باشد. علامه بزرگوار و عالم محبوب، محمد بن علی شهر آشوب، شیخ الطائفة و بزرگ تبار امامیه در عصر خویش بوده است. او در اثر عمر پربرکت و صد ساله‌ای که داشته است، توانسته است خدمات ارزنده‌ای به معارف اسلام و مسلمین بنماید، و در زمینه‌های گوناگون قلمفرسایی نماید. یکی از آثار پربرکت او، «متشابه القرآن و مختلفه» می‌باشد که در دو مجلد قرار دارد و اخیراً از سوی انتشارات بیدار قم، در دو مجلد، مجموعاً در ۶۰۰ صفحه با چاپ خوب و زیبا، از روی نسخه‌ای که از هندوستان به دست آمده است، طبع و انتشار یافته است.

مؤلف بزرگوار آن، با توجه به ابتکار و سلیقه خاصی که دارد، آیات متشابه قرآن را به صورت موضوعی از سرآغاز معارف اسلامی به ترتیب: باب عدل، صفات ثبوتیه و سلبيه، نبوت، امامت، معاد، سپس فصول آخر آن را برحسب احکام فقه قرآنی، سپس فنون ادبی و عربی پیش برده است، و این سبک خاص، ظرافت و بداعت خاصی به کتاب بخشیده است، و قرائت آنرا بر خوانندگان خود آسان ساخته است. (طبقات مفسران شیعه ۴۲۶ ۱۸۰).

خصوصیات تفسیر او

۱. مؤلف آن از ارزش و اعتبار بلند در زمینه‌های دینی، علمی، ادبی برخوردار است، که با اندک

مراجعه به کتب تراجم، حدود آن مشخص می‌گردد.



۲. حسن شیوه، تبویب و نوآوری در ترتیب و تنظیم، از ویژگیهای این کتاب است. آیات را بر اساس اولویت تنظیم نموده است. فی المثل اول توحید، صفات خدا، سپس عدل، تنزیه خدا، آنگاه امامت و معاد، سپس ابواب فقهی و تشریحی ....

۳. حسن اسلوب و سبک بدیع در انتخاب معانی مهم و ارزنده. شعر زیبا، نقل صحیح و نقد بجا.

۴. فصاحت لفظ همراه با بلاغت معنی، با ایجاز و اختصار، که از شخصیت والاقدر و نامداری چون ابن شهر آشوب، انتظاری جز آن نمی رفت. (طبقات مفسران شیعه، ص: ۴۲۷)

## تفاسیر سنی ها

همانطور که قبلا گفته شد در این قرن بیش از هفتاد تفسیر نوشته شده است. ومولفین بسیاری از این تفاسیر نویسندگان سنی هستند. ما در این نوشته موجز فقط به دو تفسیر مهم از آنها اشاره می کنیم.

### ۱:الكشاف

مؤلف: هو جار الله ابو القاسم، محمود بن عمر بن محمد بن أحمد الزمخشري.

ولد في شهر رجب عام ٤٦٧ هـ في قرية صغيرة تسمى «زمنخر» من قرى خوارزم، فهي ضاحية من ضواحيها، و هي مجهولة الآن. كان ابوه عالم قرينته، و تعلم مبادئ القراءة و الكتابة و حفظ القرآن في قرينته و هو بين والديه، ثم رحل الى خوارزم (بخارى) لطلب العلم، و قد قطعت رجله و هو صغير، و في خوارزم اقبل على حلقات العلم، و شيوخ الدين و على منابع الثقافة، مجداً في التحصيل، مكثاً على الحفظ و القراءة، و في مدة قليلة كان قد الم بكتير من اصول الفقه و الحديث و التفسير و التوحيد و المنطق و الفلسفة، ثم سافر الى نيشابور و مكث فيها زمنا، و قابل في هذا المدينة الفقيه الدامغاني، ثم ذهب الى بخارى و خراسان و اصفهان و همدان و مصر.

و من شيوخه محمود بن جرير الضبي الاصفهاني (م ٥٠٧ هـ) في الأدب و علم الاعراب و علم الكلام و التوحيد، و تأثر بمذهبه الاعتزالي، و الشيخ أبو علي الضير، و الشيخ السديد الخياطي في الفقه، و الحاكم الجشمي (صاحب تفسير: تهذيب التفسير) الزيدي المعتزلي، و ركن الدين محمد الاصولي.

و في سنة ٥٠٢ هـ رحل الى مكة المكرمة و أقام فيها مجاورا بيت الله الحرام و لذلك لُقّب ب «بجار الله». و عاد الزمخشري الى وطنه شيخا كهلا. توفي سنة ٥٣٨ هـ، و دفن بجزانية خوارزم. (المفسرون حياتهم و منهجهم ٥٧٤ )

تفسیر کشف مورد ستایش بسیاری از دانشمندان قرار گرفته است. سیوطی می‌نویسد: گروهی از اصحاب با دقت در علوم بلاغت و جوه اعجاز قرآن را درک می‌کنند که صاحب کشف پادشاه این شیوه است؛ به همین جهت کتابش مشرق و مغرب را پر کرده است. مرحوم طبرسی هم عصر زنجشیری بوده است؛ اما هنگام ملاحظه کشف آن را پسندیده و تصمیم می‌گیرد آن را خلاصه کند و دیدگاههای شیعه را نیز در آن بیاورد؛ به همین دلیل جوامع الجامع را می‌نویسد. دانشمندان زیادی از کشف استفاده نموده و حتی آن را متن تفسیر خود قرارداده‌اند؛ از جمله آنها بیضاوی و فخر رازی است. افزون بر آن، حدود چهل نفر از شیعه و سنی بر آن حاشیه زده‌اند که خود دلیل بر اهمیت این کتاب است. (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران ۲۵۲)

#### امتیازات

این تفسیر در مقایسه با سایر تفاسیر، دارای امتیازات فراوانی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. خالی بودن از اضافات؛
۲. سالم بودن از قصص اسرائیلی؛ البته در برخی مواقع داستانهایی مانند داستان داود و سلیمان را می‌آورد؛ ولی آن را نیز تصحیح می‌کند؛
۳. عنایت خاص به معانی بیان بر لغت اصیل عرب؛
۴. ارائه اعجاز ادبی قرآن به صورتی زیبا و فنی با ذوق زیبای ادبی؛
۵. طرح بسیاری از مباحث به صورت سؤال و جواب (ان قلت و قلت) (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران ۲۵۲)

۲: کشف الاسرار و عدّة الابرار

معرفی مولف

هو ابو الفضل أحمد بن ابي سعد بن أحمد بن مهريز، المبيدي نسبة الى مبيد، و هي مدينة في محافظة يزد، و ابوه جمال الاسلام ابو سعد بن أحمد المتوفى سنة ٤٨٠ هـ في مدينة يزد من بلاد ايران. و كان من الصلحاء و العباد، و من بيت العلم و الفضيلة. و المفسر عاش قطعاً بعد سنة ٥٢٠ هـ، كما صرح هو في مقدمة تفسيره عند الشروع. و هو من علماء الشافعية فقها و فروعاً، و من اصحاب الحديث و قبول الظواهر اصولاً و اعتقاداً، و من اهل الذوق عرفاناً و إشارة، و هو خبير في التفسير و الحديث و الفقه. و اخوه موفق الدين ابو جعفر بن ابي سعد بن أحمد بن مهريز المتوفى سنة ٥٧٠ هـ، كان من العلماء و الصلحاء. فعلى هذا لم يكن تاريخ ولادته و وفاته معروفة، و ان كانت الفترة الزمنية التي عاش بها معلومة. أهم آثاره و مؤلفاته:

1- كشف الأسرار و عدة الأبرار.

2- الاربعين.

3- الفصول، في احوال الأمراء و الوزراء و السادات و القضاة (المفسرون حياتهم و منهجهم ٥٨٨ )

اصل اين تفسير از خواجه عبد الله انصاری (متوفای ٤٨١ ق) عارف مشهور است و ابو الفضل مبيدی آن را شرح و بسط داده. او در مقدمه تفسير، انگیزه نگارش را اين چنین بيان می کند:

تفسير خواجه عبد الله را بررسی کردم و آن را از جهت عبارت و محتوا و تحقيق و ترصيع در حد اعجاز يافتم؛ جز آنکه وی در نهایت ایجاز و اختصار سخن گفته و راه کوتاه نویسی را در پیش گرفته است...؛ لذا بر آن شدم تا بالهای سخن را در آن بگشایم و عنان زبان را در تفصیل آن رها سازم تا در این رهگذر حقایق تفسیر و لطایف تذکیر را به هم پیوندم... و به یاری خداوند در اوایل سال ٥٢٠ ق به نگارش آنچه قصد کرده بودم، آغاز کردم و نام آن را كشف الاسرار و عدة الابار نهادم. (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران ٢٥٨ )

روش و ویژگیهای تفسیر

مفسر تلاش می کند که تفسیر هر آیه را در سه نوبت انجام دهد؛

نوبت اول: ترجمه تفسیری و معنای ظاهری آیه است؛

نوبت دوم: بیان وجوه معانی، قرائت، اسباب نزول، بیان احکام، روایات و اقوال صحابه و تابعان است؛

نوبت سوم: بیان رمزها و اشارات عرفانی و نکات ظریف و لطیفی است که از روح عبارات بر گرفته شده.

نکته دیگر، استفاده ایشان از آیات و روایات است. در تفسیر برخی آیات چهار یا پنج آیه را گواه می آورد تا مفهومی را القا کند.

او در روایات به اقوال صحابه و تابعان متکی است.

منابع دیگر ایشان، تفاسیر عرفانی و دیدگاههای عرفانی همچون ابو عبد الله سهل تستری، ذو النون المصری، با یزید بسطامی و ... است.

برخورد مفسر با اهل بیت علیهم السلام- بویژه در آیه مودت و آیات دیگر- اظهار محبت به آنان است؛ چنانچه سایر عرفا مانند ابن عربی- اگرچه از اهل سنت باشند- مقام اهل بیت علیهم السلام را ارجح می‌نهند، و این بر خلاف برخی از مفسران اهل سنت است که امتیازات آنان را پنهان کرده‌اند. میدی از عرفا و اهل باطن است؛ اما در مباحث کلامی از جمله جبر و اختیار، کلام الهی و صفات خبریه دیدگاههای اشعری و نیز سلفی و اهل الحدیث از اهل سنت را تقویت می‌کند. در بحث قصص و اسرائیلیات روایاتی را که از اهل کتاب نقل شده (مانند کعب الاحبار و وهب بن منبه) بدون بررسی و دقت در سند آنها و با وجود ضعف و تناقضشان با عقل و نقل قطعی نقل کرده است؛ از جمله آنها می‌توان به قصه هاروت و ماروت و تنافی آن با عصمت فرشتگان اشاره کرد.

این تفسیر مورد توجه اهل ادب فارسی و علاقه‌مندان به تفاسیر فارسی قرار گرفته و برخی گزیده آن را به رشته تحریر در آورده‌اند؛ از جمله می‌توان به گزیده تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار از دکتر رضا انزلی نژاد و تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از حبیب الله آموزگار اشاره کرد که در واقع تلخیص کشف الاسرار در دو بخش و یک جلد است. جناب آقای محمد جواد شریعت نیز برای تفسیر کشف الاسرار فهرست کاملی تهیه کرده که قابل تقدیر است. (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران ۲۵۹)

## منابع:

۱: ترجمه تفسیر المیزان، موسوی همدانی سید محمد باقر قرن: چهاردهم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش

۲: المفسرون حیاتهم و منهجهم، سید محمد علی ایازی معاصر، عربی، وزارت ارشاد تهران چاپ: ۱۳۷۳ / ۱۴۱۴

۳: تاریخ اطلس ایران. دریافت شده از سایت فارس بوک بزرگترین سایت کتب الکترونیک

۴: تاریخ ادبیات ایران، نویسنده ذبیح الله صفا. معاصر، انتشارات ققنوس، چاپ پانزدهم ۱۳۷۷

۵: سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

۶: تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، معاصر، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۸۲

۷: پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، رجبعلی مظلومی، معاصر، نشر آفاق، تهران، ۱۴۰۳

۸: آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، حسین علوی مهر، معاصر، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴

۹: طبقات مفسران شیعه، عبد الرحیم عقیقی بخشایشی، معاصر، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۷

